

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان ، جنوری ۱۹۹۹م

سودای غربت

چه سخت است در ملک اغیار بودن
به پا ، نیش خار حقارت خلیدن
به ادبار ، بار مذلت کشیدن
ز اوج سعادت فرو افتادن
زهر زخم چشمی به دل تیر خوردن
به هر محفلی خویش را کم شمردن
به دل داشتن محنت تنگدستی
سخن های پائین و بالا شنیدن
زهر رنگ گل بارها خار خوردن
نه آزاد گفتن ، نه دلشاد خفتن
درین ملک سودا و وسواس کم نیست
ترا تا ببینند دیوانه خوانند
به بازار مکارگان پا نهادن
به سر ، تا به قعر غم و درد رفتن
عزیزان خود مفت از دست دادن
چنین است آرزگی های غربت
چه خوب است با اینهمه نا مرادی

غریب و دل افگار و بیمار بودن
چنان زار بودن ، چنین خوار بودن
به دوش همه دوستان بار بودن
به کنج مصیبت نگونسار بودن
به هر گوشه در آستین مار بودن
به هر دیده بی قدر و مقدار بودن
به سودای عالم گرفتار بودن
چو لرزنده شمشاد ، بی بار بودن
به چشمان همسایگان خار بودن
نه در خواب بودن ، نه بیدار بودن
دچار چنین رنج بسیار بودن
چه لازم درین ملک هشیار بودن
به ناچار آنجا خریدار بودن
به امید روز قرحبار بودن
درین حسرت ، آزرده و زار بودن
که بی پا و سر بر سر دار بودن
بهم دوست بودن ، بهم یار بودن

«اسیر» این نصیحت بیاران ضرورست

وطندار خود را مددگار بودن